

مطالعه کیفی نقش زبان در روابط زوجین رضایت‌مند:

پژوهشی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد

رحیم ملایی^۱

معصومه اسمعیلی^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۱۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۷/۲۵

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مطالعه کیفی نقش زبان در روابط زوجین رضایت‌مند انجام شد. این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، انجام شده است. بدین منظور، با روش نمونه‌گیری هدف‌مند و با استفاده از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، داده‌ها جمع‌آوری شد و تا رسیدن به اشباع نظری، ۶ زوج از واجدان شرایط، مورد بررسی قرار گرفتند. برای دستیابی به عوامل، تحلیل داده‌ها با استفاده از فنون استراوس و کربین انجام شد که شامل شناسه‌گذاری مفاهیم و شکل‌دادن به نظریه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در شناسه‌گذاری باز، به شناسه‌گذاری عوامل اصلی، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها منجر شد. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، هماهنگی زبانی زوجین به‌عنوان مقوله مرکزی، عوامل زبانی بسترساز رضایت زناشویی و عوامل زبانی تداوم‌بخش رضایت زناشویی مقولات عمده و چهار مفهوم سطح دوم که از مفاهیم سطح اول به دست آمدند، عبارتند از: عوامل زبانی تقویت‌کننده رابطه زناشویی، عوامل زبانی تمدیدکننده رابطه زناشویی، عوامل زبانی تحکیم‌کننده رابطه زناشویی و عوامل زبانی تثبیت‌کننده رابطه زناشویی. نتایج نشان داد که زبان در ایجاد و تداوم رضایت زناشویی، نقش بنیادی دارد، به طوری که زوجین با استفاده صحیح از زبان خود می‌توانند رابطه رضایت‌بخشی را تجربه نمایند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج؛ رضایت زناشویی؛ زبان؛ نظریه مبنایی

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

Rmollai1357@yahoo.com

masmaeil@yahoo.com

۲. دانشیار گروه مشاوره دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

زندگی انسان از مراحل و چرخه‌های مختلف تشکیل شده است و سخت‌ترین و پیچیده‌ترین آن ازدواج است. به عبارتی، ازدواج، شروع زندگی است. ازدواج، پیوند زندگی مشترک بین دو نفر با حفظ استقلال نسبی هریک در جهت تکامل شخصیت طرفین است و عامل مهمی در ایجاد آرامش، سکون دائمی و مسبب اساسی در برقراری تعادل وجودی است (زارع و رستا، ۲۰۱۱؛ غلامعلی و همکاران، ۱۳۹۴). ازدواج، باعث ارضای بسیاری از نیازهای جسمانی و روانی افراد می‌شود و در صورت شکست، زن و شوهر و به‌ویژه فرزند آنها با ضربه روانی شدید مواجه می‌شود. از سوی دیگر، افزایش سرسام‌آور میزان طلاق و کم‌شدن متوسط مدت ازدواج یا زندگی اجباری و تحمیلی، بررسی این موضوع را ضروری می‌کند که رضایت‌مندی زناشویی چیست؟ چه عواملی دوام و بقای آن و کدام عوامل گسسته‌شدن پیوندهای زناشویی را موجب می‌شود. یکی از جوانب بسیار مهم یک نظام زناشویی، رضایتی است که همسران در ازدواج تجربه می‌کنند (تاچی گوجی^۱ و همکاران، ۲۰۰۶؛ کمالی، فیروزآبادی و قاسمی، ۱۳۹۳). رضایت زناشویی یکی از مفاهیم رایج برای ارزیابی شادی و ثبات در ازدواج است. در واقع، آنچه مهم‌تر از ازدواج است، موفقیت ازدواج و رضایت از رابطه زناشویی است (توکل و همکاران، ۲۰۱۷).

نظریه پردازان، هر نوع صلح، آشتی و دوری از تنش را که به دلیل رعایت کردن یک هدف برتر انجام می‌گیرد، رضایت می‌گویند. جریان رضایت با بروز نیاز انسان به همراهی، انطباق و دوری از تنش شروع می‌شود، تا براساس آن به ارضای نیاز و حرکت به سوی تعادل کامل شود. این فرایند از چهار مرحله: حرکت به سوی هدف، برخورد با مانع، کوشش برای برطرف کردن مانع و کشف راه و فایق آمدن بر مشکل، تشکیل می‌شود (پورمقدس، ۱۳۸۴). یک جنبه مهم رضایت، با موضوع ازدواج و احساس رضایت‌مندی از زندگی زناشویی مرتبط است. ازدواج و زندگی زناشویی، مستلزم وجود سطح پایداری از رضایت زوج‌هاست (نادری، مولوی و نوری، ۱۳۹۴). رضایت زناشویی به صورت احساس عینی خشنودی، رضایت و لذت تجربه‌شده توسط همسر، با در نظر گرفتن همه جنبه‌های زندگی زناشویی تعریف می‌شود. رضایت‌مندی زناشویی، مفهومی ایستا و ثابت نیست و بیشتر زوجین طی زندگی مشترک خود، دگرگونی‌های اندکی در میزان

رضایت خود تجربه می‌کنند (صادقی، ۱۳۷۸؛ ایمانی و همکاران، ۱۳۹۴). رضایت زناشویی یک فرایند پیچیده است که در طول زندگی زوجین به دست می‌آید و بر سلامت زن و شوهر و خانواده، رضایت از زندگی، سطح درآمد، موفقیت تحصیلی و رضایت شغلی زن، تأثیر می‌گذارد. زوج‌هایی که ارتباطات و درک زناشویی مطلوب دارند، از وضعیت سلامت بهتر برخوردارند (زارع و همکاران، ۲۰۱۴). به عقیده میخالیتسیانوف^۱ (۲۰۱۴) روابط زناشویی پایدار و رضایت‌بخش، در فراهم آوردن نتایج مثبت بسیار برای اعضای خانواده از جمله سلامت روانی مثبت، سلامت بدنی و رشد، کارآمد هستند. این روابط زناشویی محیطی مساعد را برای کودکان فراهم می‌آورند و همچنین رشد و سلامتی اعضای خانواده را ارتقا می‌دهند (حاتمی‌ورزنده و همکاران، ۱۳۹۵).

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه رضایت زناشویی نشان می‌دهد که عوامل بسیاری بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارند. در یکی از پژوهش‌ها که توسط توکل و همکاران (۲۰۱۷) با عنوان «بررسی عوامل مرتبط با رضایت زناشویی» صورت گرفت، نتایج نشان داد، عواملی همچون مشخصات دموگرافیک، ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی، ارتباط و صمیمیت، رابطه، خانواده‌های زوجین، بخشش و فداکاری، دین، هوش هیجانی، سلامت شخصی و روابط جنسی تأثیرات قابل توجهی بر رضایت زناشویی زوجین می‌گذارند. علاوه بر عوامل تأثیرگذار ذکر شده بر رضایت زناشویی، در این پژوهش سعی بر آن داریم که به عامل مهم و بنیادین زبان در رابطه زناشویی رضایت‌مند بپردازیم.

زبان، عامل تجلی توانایی‌های شناختی و عاطفی برای پرداختن به جهان اطراف، به دیگران و به خود است. به گفته گادامر^۲، زبان به هیچ وجه تنها به منزله یک ابزار یا وسیله نیست. خصوصیت ابزار و وسیله این است که پس از مصرف، کنار گذاشته شود، در حالی که چنین کاربردی هرگز در مورد زبان صدق نمی‌کند و چنین قیاسی به کلی باطل است (صاحب‌جمعی، ۱۳۸۹). به عبارتی، اهمیت و نقش عمده زبان در زندگی منحصر به گفتار نیست؛ گفتار نمود آوایی و ظهور خارجی زبان است و زبان اعم از گفتار است. آدمی در همه جا با زبان مواجه است؛ در خواب و بیداری در حال سخن گفتن است و حتی آن هنگام که به نظر می‌رسد ساکت است و کاری انجام نمی‌دهد،

1. Michalitsianis
2. Gadamer

به گونه‌ای از زبان استفاده می‌کند و در درون خود به گفتگو می‌پردازد و از طریق زبان به صورت خودگویی‌های درونی و خاموش، افکار و احساسات خود را سازمان می‌دهد. اساساً ذهن انسان از زبان او جدا نیست و زبان نقش مهمی در ساخته و پرداخته شدن ذهن دارد (اعلمی‌نیا و اسکندری، ۱۳۹۵). زبان پدیده‌ای اجتماعی و الگویی برای ساختار جامعه است. مردم زبان را تنها برای انتقال افکار و احساساتشان به مخاطب به کار نمی‌برند، بلکه به گونه‌ای از آن استفاده می‌کنند تا بتوانند ارتباطشان را با یکدیگر به خوبی توصیف کرده و به خود هویت ببخشند (فیزالد، ۱۹۹۰). به عقیده ابراهیمی دینانی (۱۳۹۰)، کلمات از عوارض و لواحق فهم و ادراک نیستند، بلکه آنها صورت و شکل معنا، اندیشه و ادراک می‌باشند و از آن جدایی ناپذیرند. معانی مربوط به این جهان پیوسته در زمین الفاظ و مزرعه عبارات می‌رویند و رشد پیدا می‌کنند؛ هستی آنجاکه به فهم و ادراک در می‌آید، زبان خواهد بود و وارد شدن به عالم شناخت و معرفت از طریق زبان صورت می‌گیرد و خرد و اندیشه قبل از لغت و پیش از کلمه به مرحله ظهور و بروز نمی‌رسند. واقعیت مستقیم به چنگ ذهن در نمی‌آید، بلکه افراد، تجربه خود از واقعیت را، از طریق معانی موجود در زبان شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، تجربه انسان از جهان، در زبان واقع می‌شود.

زبان، در روابط انسانی دو کارکرد متفاوت برعهده دارد: ایجاد آشفستگی در رابطه و همچنین، ایجاد تعادل در رابطه. این خاصیت زبان است که شرایط را به هم می‌ریزد و از طرفی شرایط را به سمت آرامش سوق می‌دهد. به عقیده اعلامی‌نیا و اسکندری (۱۳۹۵)، زبان از طرفی علت صوری آسیب و درمان به شمار می‌آید؛ یعنی آسیب در ساخت و صورت زبانی شکل می‌گیرد، زبان، قالبی است که اندیشه و خیال آسیب‌زا در آن ساخت پیدا می‌کند و از طرف دیگر علت فاعلی محسوب می‌شود؛ به این معنا که کلام، عامل راه‌انداز و تغییردهنده است. زبان، خود عملی انسانی است که توانایی آن را دارد که برانگیزاند، تنظیم نماید، تحول ایجاد کند، بیافریند و یا تحریف کند. همچنین شیروانی (۱۳۸۷) بیان می‌کند: زبان دارای دو بعد مثبت و منفی است و نمی‌توان گفت چون زبان نعمت بزرگ الهی است، پس هر چه بیشتر باید از آن استفاده کرد و بدون حساب، هر سخنی را بر زبان جاری ساخت. اصولاً یکی از نشانه‌های انسان عاقل، آن است که بیجا سخن نمی‌گوید. زبان، گویای عقل آدمی است، چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «تکلموا تعرفوا فان

المرء مخبوء تحت لسانه»: سخن بگویند تا شناخته شوید؛ چراکه انسان در زیر زبان خود پنهان است» (بصیری و بی‌بی حیاتی، ۱۳۹۵). بنابراین، زبان اگرچه می‌تواند روابط را آشفته سازد، اما قابلیت ایجاد رابطه رضایت‌بخش را هم در درون خود دارد. به عبارتی، هنگامی که زن و شوهر روابطشان آشفته و فضای بین آنها تیره و تاریک می‌شود، این زبان است که می‌تواند از طریق عاملیت خود، شرایط را از آشفتگی خارج و رابطه را به سمت قرار و آرامش سوق دهد. به عقیده گلاسر^۱ (۲۰۰۰)، تنها راه حل مشکلات زناشویی گفتگو با زبانی مهرورزانه است و موفقیت در ازدواج با یادگیری شیوه گفتگو با هم نسبت مستقیم دارد (بهاری، ۱۳۹۴).

زبان در روابط زناشویی می‌تواند کشمکش‌ها و درگیری‌های شدیدی را به وجود آورد و هم می‌تواند باعث ایجاد آرامش در فضای خانواده شود. وایوز - کاسز، گیل - گونزالس و کاراسکو-پورتینو^۲ (۲۰۰۷) حل و فصل زبانی تعارض بین زوجها را یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده تعارض زناشویی بیان کردند. به این معنا که تعارضات زبانی که میان زن و شوهر رخ می‌دهد به عنوان عامل تأثیرگذاری بر صمیمیت زناشویی خواهد بود و از سوی دیگر، این خشونت‌های زبانی می‌تواند به اعمال قدرت یک زوج بر زوج دیگری برای رسیدن به اهداف شخصی در روابط زناشویی اطلاق شود که شامل رفتارهای خاصی مثل تهدید، ترک کردن همسر، کم کردن تعاملات و غیره خواهد شد (لیمن، سیمونز و پیالی^۳، ۲۰۱۲).

پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که زبان در رضایت و آشفتگی رابطه زناشویی، نقش مهمی را ایفا می‌کند. در یکی از این پژوهش‌ها که توسط شهابی‌زاده، رخشانی و علیزاده (۱۳۹۴) با عنوان «مدل دلزدگی زناشویی در ارتباط با الگوی ابعادی ارتباط با خدا، کنترل فکر و زبان» صورت گرفت، آنها به این نتیجه رسیدند که الگوی ابعادی ارتباط با خدا، تنها به صورت غیرمستقیم، از راه کاهش هریک از «کنترل زبان» و «کنترل فکر» پیش‌بینی‌کننده افزایش «دلزدگی زناشویی» است و نیز نشان دادند که مسیر «ایمان خدامحورانه» تنها از راه «افزایش کنترل زبان» و «کنترل فکر» می‌تواند در جهت کاهش دلزدگی زناشویی، مؤثر واقع شود.

در پژوهشی دیگر، مارتیگانی^۴ (۲۰۱۱) در مطالعه خود نشان داد که نگرش‌ها و باورهای

1. Glasser
2. Vives-cases & Gil-gonzales & Carresco-portino
3. Lehmann & Simmons & Pillai
4. Martigani

زوجین، نقش مهمی در تعارض زوجین دارد و همچنین گفتگوها و تعاملات بین زوجین، نقش مهمی در تعارض یا صمیمیت زوجین ایفا می‌کند. اسکیلینگ^۱ و همکاران (۲۰۰۳) نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند، که رفتار کلامی مثبت در همسران به رضایت زناشویی می‌انجامد و برعکس رفتار کلامی منفی به کاهش رضایت زناشویی می‌انجامد. اولسون و اولسون^۲ (۲۰۰۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که زوج‌های خرسند بیش از ۶ برابر (۹۰ درصد) بیش از زوج‌های ناخرسند (۱۵ درصد) از نحوه گفتگو با یکدیگر خشنود هستند. اهمیت زبان به گونه‌ای است که رسول خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: تمام زیبایی‌های انسان در زبان است (مجلسی، ۱۴۰۴). بی‌شک زبان دریچه روح آدمی است، یعنی از لابه‌لای کلمات هرکس به‌خوبی می‌توان به اعماق درون او پی‌برد و برعکس، سخنان و کلمات هرکس در روح و جان او اثر می‌گذارد و به تدریج آن را به رنگ خود درمی‌آورد و به این ترتیب این دو در یکدیگر تأثیر متقابل دارند (آقاگل زاده، ۱۳۸۲).

در این پژوهش از روش پژوهش کیفی برای بررسی نقش زبان در روابط زوجین رضایت‌مند استفاده کرده‌ایم؛ زیرا پژوهش کیفی می‌تواند بالأخص در پژوهش خانواده‌ها متناسب باشد، به این خاطر که این رویکرد می‌تواند به‌عنوان "پنجره‌ای که از راه آن ما می‌توانیم الگوهای تعامل میان اعضای خانواده را مشاهده کنیم" عمل کند (دالی^۳، ۱۹۹۲؛ هاپکینز- ویلیامز^۴، ۲۰۰۷). به این صورت که این روش قادر است "پنجره‌ها را برای ما باز کند" و حجاب‌ها را از روی معانی، فرایندها و روابطی که دستیابی به آنها از راه دیگر رویکردها مشکل است، بردارد و بدین وسیله، دیدی غنی از زندگی، از دیدگاهی چندبعدی ارائه دهد. این رویکرد برخلاف رویکرد کمی است که بر میانگین‌ها تمرکز دارد و در همین حین، برون‌دادها را مرتب می‌کند^۵ و اهمیت تجربه فردی و خانوادگی را دست‌کم می‌رساند (هاپکینز- ویلیامز، ۲۰۰۷).

باتوجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر با هدف کشف نقش زبان در روابط زوجین رضایت‌مند به منظور ارائه الگوی زبانی زوجین رضایت‌مند انجام شد.

-
1. Skilling
 2. Olson & Olson
 3. Dali
 4. Hopkins-Williams
 5. While trimming outliers

روش

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع از روش کیفی «نظریه مبنایی»^۱ استفاده شده است. در روش نظریه مبنایی فرایند نمونه‌گیری، گردآوری و تحلیل و تفسیر داده‌ها جدا از یکدیگر نیستند (استراوس و کوربین^۲، ۱۹۹۰). نظریه مبنایی معمولاً بر سطح خرد (نه کلان) متمرکز است و بر تفسیر مداوم، بین تحلیل و داده‌ها تأکید می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۴)، زیرا هدف استخراج نظریه‌ای بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده است. این فرایند دربرگیرنده یک طرح هدایت‌شده به وسیله داده است (نمونه‌گیری نظری) و هدف اصلی، ایجاد مفاهیم نظری از داده و جستجوی مفاهیم مرکزی^۳ یا آن چیزی است که گلنزر آن را فرایند اجتماعی اصلی^۴ یا فرایند روان‌شناختی اصلی^۵ می‌نامد (استراوس، ۱۹۸۷؛ گلنزر^۶، ۱۹۷۸؛ به نقل از ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷).

در این تحقیق از فن مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته، که تناسب بسیاری با روش زمینه‌ای دارد (پانچ^۷، ۲۰۰۵؛ اتکینسون^۸ و همکاران، ۲۰۰۷) به منزله روش گردآوری اطلاعات، استفاده شده است. منطق نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی - میدانی منطق نمونه‌گیری هدف‌مند^۹ است. برای افراد مورد مطالعه در این تحقیق از فن «نمونه‌گیری گلوله برفی»^{۱۰} یا «نمونه‌گیری زنجیره‌ای»^{۱۱} بهره گرفته شده است. این فن نمونه‌گیری غالباً در موقعیت‌هایی کاربرد دارد که محقق با جمعیت‌های پنهان مواجه است و نمی‌تواند پاسخگویان را شناسایی کند.

برای نمونه زوج‌های متعارض و غیرمتعارض به این صورت عمل شد که با تماس با آشنایان و همکاران و افراد مرتبط در حوزه روان‌شناسی و خانواده، یعنی استفاده از نمونه‌گیری هدف‌مند، زوجی که دارای ملاک‌های لازم برای ورود به پژوهش باشد، انتخاب شد. سپس به صورت گلوله برفی یعنی به این صورت که از اولین زوجی که به‌طور هدف‌مند انتخاب شد و مورد مصاحبه قرار

1. Grounded Theory
2. Strauss & Corbin
3. core concepts
4. basic social process
5. basic social psychological process
6. Glaser
7. Punch
8. Atkinson
9. Purposive sampling
10. Snowball sampling
11. Chain sampling

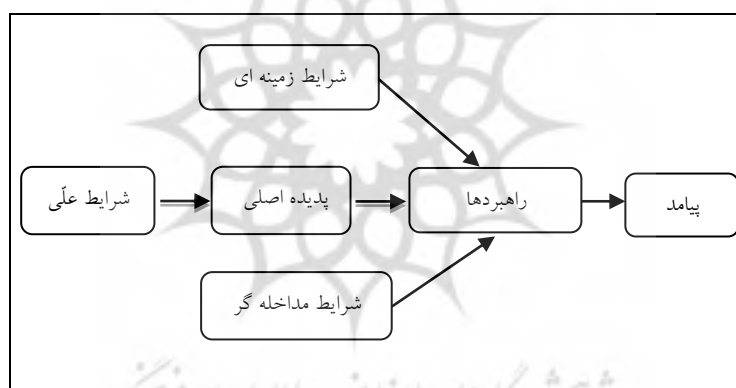
گرفتند خواسته شد که زوج دیگری را که می‌شناسند و دارای ملاک‌های این پژوهش می‌باشند و تمایل به همکاری در این پژوهش دارند، معرفی کنند و به این طریق زوج‌های دیگر دارای ملاک‌های ورود به پژوهش شناسایی و با دسترسی به آنها و بعد از کسب رضایت و موافقت آنها مصاحبه نیمه‌ساختارمند اجرا شد.

همچنین، به‌منزله روش گردآوری اطلاعات، در این نوع مصاحبه سعی می‌شود که احساسات، تجارب و افکار مصاحبه‌شونده در زمینه موضوع موردپژوهش، کشف شود، لذا عموماً حالتی غیرسازمان‌یافته داشته و به‌ویژه در ابتدا سعی می‌شود سؤالات کلی طرح گردد که مصاحبه‌شونده به‌راحتی افکار خود را ابراز نماید (صلصالی و همکاران، ۱۳۸۶). ملاک‌های موردبررسی در انتخاب نمونه دربرگیرنده موارد زیر بود: ۱. زن و شوهر هر دو ایرانی باشند، ۲. سلامت جسمی و روانی داشته باشند، ۳. داوطلب شرکت در پژوهش باشند.

بنابراین، جلسات مصاحبه با زوج‌های متعارض توسط پژوهشگر مسئول انجام شد. البته پیش از آغاز هر مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط صدا رضایت گرفته شد و راجع به اهداف پژوهش حاضر، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه‌ماندن اطلاعات و هویت آنها توضیحات لازم ارائه شد. این مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که پاسخ‌ها به اشباع نظری رسیدند. تحلیل محتوای مصاحبه انجام‌شده، طی فرایندی منظم و درعین حال مداوم از مقایسه داده‌ها بود و برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (مطابق با رویکرد استراوس و کوربین) استفاده شد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰).

کدگذاری باز؛ فرایند تحلیلی است که از طریق آن مفاهیم مشخص و خواص و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند. به‌طور کلی، در طول کدگذاری باز، داده‌ها به قطعات مجزا شکسته شده، از نزدیک مورد بررسی قرار گرفته و نسبت به شباهت‌ها و تفاوت‌ها مقایسه می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). این مرحله به این دلیل باز نامیده می‌شود که پژوهشگر با ذهنی باز و بدون هیچ محدودیتی در تعداد کدها و مقوله‌ها اقدام به استخراج کدها و ساخت مقوله می‌کند (گلدینگ، ۲۰۰۲). در این پژوهش، کدگذاری باز پس از مصاحبه و مکتوب‌نمودن آنها، صورت گرفت. به‌این صورت که کدهای آزاد شناسایی و به اجزای کوچک‌تری تقسیم و در یک فرایند مقایسه

مستمر، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی شده و رویدادهای مشابه در یک گروه طبقه‌بندی شدند. کدگذاری محوری؛ فرایند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوندادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری، به این دلیل محوری نامیده می‌شود که کدگذاری حول «محور» یک مقوله تحقق می‌یابد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مرحله، مقولات توسط پژوهشگر سازماندهی و با استفاده از یک پارادایم به همدیگر متصل می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در این مرحله کدها و دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند، با یکدیگر مقایسه شدند و ضمن ادغام کدهایی که از نظر مفهومی با یکدیگر مشابه و دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط بودند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. همچنین در این مرحله، ابعاد پارادایم کدگذاری شکل می‌گیرد و شامل شش دسته: مقوله‌محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهاست.



شکل ۱. مدل پارادایمی کدگذاری محوری

کدگذاری انتخابی؛ عبارت است از فرایند هماهنگ‌سازی و تلطیف بین نظریه و روندی که طی آن طبقات به یک طبقه مرکزی مرتبط می‌شود و نظریه را شکل می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در این مرحله از کدگذاری نظریه داده‌بنیاد، یک نظریه از روابط فیما بین مقوله‌های کدگذاری محوری به نگارش درمی‌آید. در یک سطح اصلی، این نظریه شرحی انتزاعی برای

فرایندی که در پژوهش مطالعه می‌شود، ارائه می‌دهد. فرایند یکپارچه‌سازی و بهبودبخشی نظریه در کدگذاری انتخابی (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸) از طریق فونونی نظیر نگارش خط داستان^۱ که مقوله‌ها را به هم متصل می‌کند و فرایند دسته‌بندی از طریق یادداشت‌های شخصی درخصوص ایده‌های نظری است. به عبارت دیگر، کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری را انتخاب می‌کند، به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد، آن روابط را اثبات می‌کند و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، تکمیل می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در این مرحله مقولات استخراج‌شده براساس پیوستار و منطق معنایی در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و در نهایت یک مقوله مرکزی استخراج شد. جدول ۱، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زوجین رضایت‌مند است. نمونه مورد مطالعه، شامل شش زوج شرکت‌کننده بود. دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۲۲ تا ۳۸ سال و طول مدت ازدواج از یک سال تا ۱۰ سال بود. چهار نفر از شرکت‌کنندگان فرزندی نداشتند، چهار نفر شرکت‌کنندگان یک فرزند داشتند، چهار نفر از شرکت‌کنندگان دو فرزند داشتند. میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان بین دیپلم و کارشناسی، متغیر بود. دیگر اطلاعات در جدول ۱ قابل مشاهده است. همچنین، برای رسیدن به قابلیت اعتماد یافته‌ها از سه فن مرسوم زیر استفاده شد (سیلورمن^۲، ۲۰۰۵):

۱. اعتباریابی توسط اعضا: در این قسمت از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و درباره صحت آن نظر بدهند، ۲. مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود، ۳. استفاده از فن ممیزی: در این زمینه، سه متخصص در حوزه نظریه زمینه‌ای بر مراحل گوناگون کدگذاری و مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

1. Story line
2. Silverman

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زوجین رضایت‌مند

شماره شرکت‌کننده	شغل	میزان تحصیلات	مدت ازدواج	سن کنونی	تعداد فرزند
۱	ویزیتور	دیپلم	۸	۳۳	۲
۲	خانه‌دار	لیسانس	۸	۳۲	۲
۳	متشی	دیپلم	۵	۳۰	۲
۴	مغازه‌دار	دیپلم	۵	۲۸	۲
۵	کارمند	لیسانس	۴	۳۰	۱
۶	خانه‌دار	لیسانس	۴	۲۴	۱
۷	پرستار	لیسانس	۱	۲۷	۱
۸	پرستار	لیسانس	۱	۲۲	۱
۹	آزاد	لیسانس	۴	۲۸	-
۱۰	خانه‌دار	لیسانس	۴	۲۴	-
۱۱	کارمند	لیسانس	۱۰	۳۰	-
۱۲	خانه‌دار	لیسانس	۱۰	۲۹	-

یافته‌ها

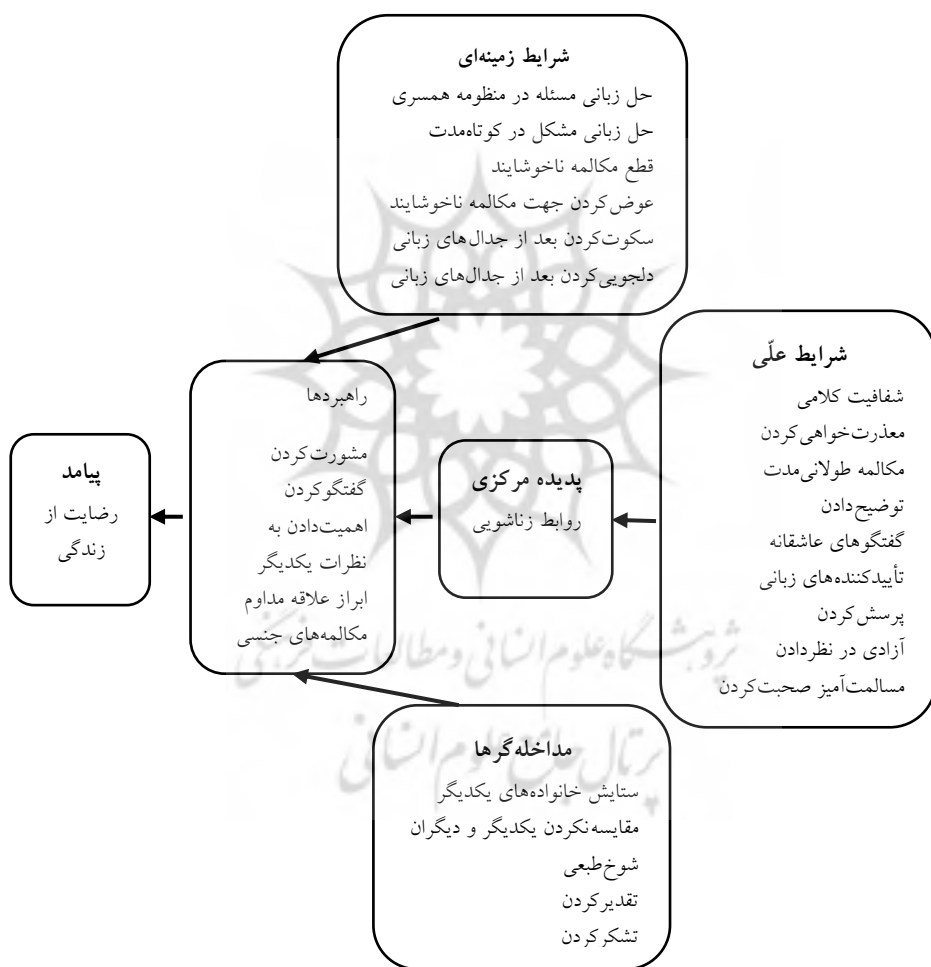
سؤال اصلی پژوهش این است که زوجین رضایت‌مند چگونه از طریق زبان خود رابطه‌شان را از کشمکش‌ها و درگیری‌ها به سمت آرامش سوق می‌دهند؟ و زبان چه نقشی در ایجاد رضایت زناشویی ایفا می‌کند؟ همان‌طور که در جدول ۲ مشخص است، در مرحله کدگذاری باز سطح اول، بیست و پنج مفهوم اولیه استخراج شد. در مرحله کدگذاری باز سطح دوم نیز، از میان مفاهیم باز اولیه، چهار مفهوم که جامع مفاهیم پیش بودند، انتزاع شدند و در نهایت این چهار مفهوم به دو مقوله عمده انتزاع یافتند. سپس در مرحله کدگذاری محوری، مقولات استخراج‌شده براساس پیوستار و منطقی معنایی در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی یک مقوله مرکزی استخراج شد. مقوله مرکزی این مطالعه «هماهنگی زبانی زوجین» است.

جدول ۲. مفاهیم، مقولات و مقوله مرکزی رضایت‌مندی زناشویی

مقوله مرکزی	مقوله عمده	مفاهیم (کدگذاری باز سطح دوم)	مفاهیم (کدگذاری باز سطح اول)
هماهنگی زبانی زوجین	عوامل زبانی بسترساز رضایت زناشویی	عوامل زبانی تقویت‌کننده رابطه زناشویی	شفافیت کلامی معذرت‌خواهی کردن مکالمه طولانی مدت توضیح دادن دیالوگ‌های عاشقانه تأییدکننده‌های زبانی پرسش کردن آزادی در نظر دادن مسالمت‌آمیز صحبت کردن
		عوامل زبانی تمدیدکننده رابطه زناشویی	حل زبانی مسئله در منظومه همسری حل زبانی مشکل در کوتاه‌مدت قطع مکالمه ناخوشایند عوض کردن جهت مکالمه ناخوشایند سکوت کردن بعد از جدال‌های زبانی دلجویی کردن بعد از جدال‌های زبانی
		عوامل زبانی تحکیم‌کننده رابطه زناشویی	ستایش خانواده‌های یکدیگر مقایسه نکردن یکدیگر و دیگران شوخ طبعی تقدیرکردن تشکرکردن
	عوامل زبانی تداوم بخش رضایت زناشویی	عوامل زبانی تثبیت‌کننده رابطه زناشویی	مشورت کردن گفتگو کردن اهمیت دادن به نظرات یکدیگر ابراز علاقه مداوم مکالمه‌های جنسی

همچنین، نتایج تحقیق برحسب شرایط علی، شرایط مداخله‌ای و زمینه‌ساز، راهبردهای کنش و کنش متقابل و پیامدها مورد بررسی قرار گرفت. برای این کار، مقولات اصلی که از شناسه‌گذاری باز تکوین یافته بود، با یکدیگر مرتبط شدند. ضمناً شناسه‌گذاری محوری باید از ابتدای مصاحبه اول و شناسه‌گذاری‌ها مد نظر قرار گیرد. مهم‌ترین قسمت این شناسه‌گذاری، مشخص کردن مقوله محوری است. مقوله محوری در این پارادایم، «هماهنگی زبانی زوجین» است که سایر مقولات را می‌توان به آن مرتبط ساخت و در ارتباط با این مقوله، عوامل علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط

مداخله‌ای، راهبردها و همچنین پیامدها بررسی می‌شود. این مقوله همان‌طور که استراوس و کوربین بر آن تأکید دارند، حاصل همه تحلیل‌هاست و جوهر پژوهش را به‌صورت فشرده بیان می‌کند. علاوه‌براین، مقوله مرکزی دارای قدرت تحلیل است و توانایی ربط‌دادن و به هم نزدیک کردن مقوله‌های اصلی پژوهش را برای توضیح کل مطلب دارد و از طرفی در داده‌ها پدیدار می‌شود و نشانه‌هایی از آن در همه موردهای تحت مطالعه وجود دارد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). شکل ۲ نشان‌دهنده این الگوی پارادایمی است.



شکل ۲. مدل پارادایمی هماهنگی زبانی زوجین

در ادامه، نمونه‌ای از اظهارات شرکت کنندگان ارائه می‌شود (جدول ۳).

جدول ۳. نمونه‌ای از اظهارات مشارکت‌کنندگان

مؤلفه‌ها	متن مصاحبه
معذرت‌خواهی کردن	من اگر اشتباهی کنم، حتماً معذرت‌خواهی می‌کنم؛ اونم همینطوره. معذرت‌خواهی جزئی از رابطه ماست. مسلماً کسی که اشتباه می‌کنه، باید معذرت‌خواهی کنه و ما دو نفرمون تو این مسئله همراه هستیم حتی اگه تو رابطمون با بچه‌ها اشتباهی کنیم ازشون معذرت‌خواهی می‌کنیم.
گفتگوهای عاشقانه در روابط	ما دو تا مون ابراز علاقه رو داریم، زنگ می‌زنم: سلام عزیزم جانم، تا حالا تو جمع، ایشون رو به اسم کوچیک صدا نکردم، همیشه عزیزمی، دوست دارم هست. این دوست دارم و عزیزم دائماً تو رابطه ما هست.
پرسش کردن	من هیچی رو تو دلم نمی‌زارم، ایشونم همین‌طور، اینکه بزاری چیزی، حرفی ته ذهنت بمونه خیلی بدتره، فکر کنم بررسی خیلی بهتره، حل می‌شه، من که غالباً می‌پرسم ایشونم می‌پرسه.
تأییدکننده‌های زبانی	خرید می‌کنه بهش می‌گم دستت درد نکنه. یک لباسی بخریم بهش می‌گم خیلی بهت میاد، خوش تیپ شدی، مدل سیلشو عوض کرده بود گفتم خیلی بهت میاد، بزار همینجوری باشه کلا تأییدکردن خیلی تو حفظ رابطمون مؤثر بوده.
حل زبانی مشکل در کوتاه‌مدت	ما نمی‌ذاریم بحثی که بینمون پیش میاد زیاد طول بکشه، با هم دیگه می‌شینیم صحبت می‌کنیم و مسئله پیش اومده رو به هر صورتی شده حلش می‌کنیم
قطع مکالمه ناخوشایند	تا جایی که اطمینان پیدا کنیم رابطمون خراب نمیشه بحث می‌کنیم. وقتی بدونیم ته دعوییی که می‌کنیم تهش ناخوشاینده و بی‌خود و بی‌جهت و سر لجبازی، ول می‌کنیم تا به زندگی پردازیم.
دلجویی کردن بعد از جدال‌های زبانی	وقتی که بحث می‌کنیم چند دقیقه بعدش فراموش می‌کنم. میرم دلجویی کردن، تو صورتش نگاه می‌کنم لبخند می‌زنم می‌گم ببخشید! یک حرف دیگه‌ای که نامرتبط با بحثه رو مطرح می‌کنم همینجوری رابطمون برمی‌گرده به حالت اولش.
ستایش کردن خانواده یکدیگر	من به فکر خانواده همسر هستم، ایشونم همینطوره، وقتی هم از خانوادش صحبت و تمجید می‌کنم خوشحال می‌شه. منم همین کار رو می‌کنم تا او خوشحال بشه. البته اونم از خانواده من تمجید می‌کنه خوشحال می‌شم.
مقایسه نکردن یکدیگر و خانواده‌ها	من می‌گم زندگی خراب اینه که شروع به مقایسه کردن همدیگه و خانواده‌ها کنی. من مقایسه نمی‌کنم چون برگزیده من بوده من انتخابش کردم، اونم همینطوره، اصلاً مقایسه نمی‌کنه چون می‌دونیم مقایسه کردن باعث خرابی رابطمون می‌شه.
تقدیر کردن	توی فامیل و جاهایی که می‌ریم از رفتار و شخصیتش تمجید می‌کنم، اونم خیلی خوشحال می‌شه، اونم همینطوره از من جاهایی صحبت می‌کنه به من احساس خوبی دست می‌ده.

مشورت کردن	تو اکثر کارها با همدیگه مشورت می‌کنیم، اینکه با من مشورت می‌کنه حس خیلی خوبی بهم می‌ده؛ چون احساس می‌کنم نقشی تو زندگیام دارم و ارزشمند هستم. شاید بگم یکی از مهم‌ترین چیزایی که رابطمون رو پیش می‌بره همین مشورت‌کردنه.
گفتگو کردن	دائماً با همدیگه صحبت می‌کنیم حتی در مورد چیزهای خیلی ابتدایی، من از سرکار میام در مورد اتفاقات سرکارم حتی چیزهای جزئی‌ش صحبت می‌کنم اونم همین‌طوره،
اهمیت دادن به نظرات یکدیگر	اون به نظرات من اهمیت می‌ده و این ویژگی مثبت اونه منم به نظرات اون اهمیت می‌دم. مثلاً می‌گه ماشین رو چیکارش کنیم بفروشمش یا نگاهش داریم، خیلی خوبه که زن و شوهرها نظرات همدیگه رو بشنون و بررسی کنن که آیا این نظر خوب هست یا نه؟

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که زوجین رضایت‌مند در روابط خود از دروغ اجتناب می‌کنند و به‌جای آن از شفافیت کلامی (خلوص) در روابطشان بهره می‌گیرند. شفافیت کلامی به معنای اجتناب از دروغ و کتمان‌نکردن حقایق و واقعیت‌هاست. شفافیت کلامی باعث اعتماد متقابل در روابط زوجین می‌شود و احساس امنیت را در خانواده پدید می‌آورد. به میزانی که زوجین در کلامشان صادق باشند، به همان میزان اعتماد در میانشان جاری است. از سوی دیگر، دروغ می‌تواند رابطه زناشویی را مختل کند و اعتماد بین آنها را از بین ببرد. پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهند که صداقت از جمله عوامل مؤثر در حفظ و پایداری رابطه زناشویی است. نتایج سایر پژوهش‌ها همسو با نتایج این پژوهش است. مارستون و همکاران^۱ (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای نشان دادند که صداقت از جمله عواملی است که در حفظ و پایداری نظام زناشویی مؤثر است. همچنین، قزلسفلو و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی از نظر زوج‌های ایرانی (یک مطالعه کیفی) نشان دادند که صداقت به عنوان یکی از ملاک‌های شایستگی زوجین، از جمله عوامل نگهدارنده رابطه زناشویی است. حاتمی‌ورزانه و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه خود نشان دادند که صداقت و نبود پنهان‌کاری از جمله عوامل ازدواج پایدار رضایت‌مند است. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تأیید کلامی زوجین، می‌تواند احساس رضایت را

در آنها تقویت کند. انسان‌ها همیشه دوست دارند که در نظر دیگران بهترین باشند و تأیید دیگران را به دست آورند، بدین خاطر به هر کاری دست می‌زنند تا رضایت خاطر دیگران را جلب کنند و برعکس، زوجینی که دائماً از یکدیگر عیب‌جویی می‌کنند و کارهای مثبت یکدیگر را نادیده می‌گیرند، شرایط تضعیف رابطه‌شان را فراهم می‌آورند. زوجین رضایت‌مند، به دنبال عیب‌های یکدیگر نیستند تا از آن، برای تضعیف یکدیگر استفاده کنند. هنگامی که زوجین به جای ویژگی‌های مثبت یکدیگر، ویژگی‌های منفی یکدیگر را برجسته می‌نمایند، فضای گفتگو بسته می‌شود و گفتگوهای زننده وارد جریان ارتباطی آنها می‌شود. پژوهش‌ها همسو با نتایج این پژوهش بودند. سیبلی^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه خود نشان داد کلمات تأییدی و تحسین از جمله عوامل مؤثر بر تعهد و ماندگاری رابطه زوجین است. گاتمن و همکارانش^۲ (۲۰۰۶) در بین زوجین آشفته، هفت الگوی مشکل‌زا که آنها را از زوجین سالم متمایز می‌کند، شناسایی نموده‌اند که عبارتند از: عواطف منفی متقابل، نسبت پایین رفتارهای مثبت به منفی، میزان بالای انتقاد، تدافعی رفتار نمودن، تحقیر، عیب‌جویی، اسنادهای منفی و ثابت به همسر. در پژوهشی دیگر که سالاری‌فر (۱۳۹۳) روی آسیب‌های روابط همسران در متون اسلامی انجام داد، به این نتایج رسید که براساس روایت‌ها، عیب‌جویی و انتقاد مکرر و روزانه، تأثیر گفتار را ضعیف می‌کند و به‌مرور شرایط کینه و دشمنی را همراه خواهد آورد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که گفتگوهای عاشقانه در روابط زوجین، صمیمیت بین آنها را افزایش می‌دهد. «یکدیگر را با احترام صدا کردن»، «دوستت دارم‌های دائمی»، «صفات خوب یکدیگر را بیان کردن»، در روابط زوجین رضایت‌مند وجود دارد و عامل مهمی در رضایت و شادکامی زوجین است. همسو با یافته‌های پژوهش دونگ لی^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه خود نشان داد که زوجین رضایت‌مند در رابطه خود از ابراز محبت کلامی و غیرکلامی بهره می‌گیرند و یکی از عوامل شادکامی زوجین رضایت‌مند ابراز محبت کلامی است. گفتگوهای عاشقانه باعث می‌شود که زوجین به یکدیگر توجه بیشتری کنند و احساس رضایت بادوام‌تری را در رابطه‌شان احساس کنند.

1. Sibley
2. Gottman & et al
3. Dung Le

عامل دیگری که در رابطه زوجین رضایت‌مند دیده می‌شد و زوجین از آن برای روشن شدن بعضی واقعیت‌ها استفاده می‌کردند، پرسش کردن بود. زوجینی که بتوانند بدون استرس و ترس از همسر خود، سؤال پرسند و بدانند که همسر آنها به پرسش آنان جواب خواهد داد و ناراحت نخواهد شد، از رضایت بیشتری در رابطه خود خبر می‌دهند. پرسش کردن با تفحص و جستجوگری متفاوت است. تفحص و جستجو به معنای دخالت در حریم شخصی یکدیگر است که خطراتی را برای رابطه به بار می‌آورد، اما پرسش کردن به معنای دخالت کردن در حریم یکدیگر نیست، بلکه به معنای روشن شدن یک مسئله است. این شاید بدان خاطر است که انسان به طور ذاتی، موجودی پرسشگر و کنجکاو است (رهنما، میرزامحمدی و بیجنوند، ۱۳۹۲). پرسش کردن رابطه زناشویی را از حالت یک طرفه بیرون می‌آورد و رابطه‌ای مبتنی بر گفتگو را برای زوجین ایجاد می‌نماید.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آزادی در نظرات، باعث رضایت‌مندی بیشتری در رابطه زوجین می‌شود. آزادی از مفاهیم بنیادی زندگی انسان است و اگر آزادی را از انسان سلب کنیم، زندگی معنای خودش را از دست می‌دهد و گزینه بر روابط انسانی حکمفرما می‌شود. اینکه هر کسی مختار است و می‌تواند در مورد مسئله‌های مختلف نظر بدهد، از اولین حقوق‌های انسانی به‌شمار می‌رود. رابطه زناشویی رابطه‌ای است که با اختیار زن و مرد آغاز می‌شود و هرگونه اجباری در آن، رابطه زناشویی را ابطال می‌کند. پس اختیار، لازمه شروع زندگی زناشویی است و حتی برای ادامه زندگی زوجین حیاتی است. زوجینی که در روابط خود با یکدیگر راه را برای نظردادن و گوش کردن نظرات یکدیگر باز می‌گذارند، از رضایت‌مندی بیشتری در رابطه خود برخوردار هستند. نتایج این پژوهش تأییدکننده این مطلب است. اما زوجینی که به نظرات یکدیگر اهمیتی نمی‌دهند و سعی بر این دارند که جلوی نظردادن یکدیگر را بگیرند، شرایط درگیری و تشنج در روابط خود را مهیا می‌سازند. زوجین رضایت‌مند در روابط خود از استبداد رأی برخوردار نیستند و سعی نمی‌کنند نظر خود را به زور به همسر خود تحمیل نمایند و بالعکس اجازه می‌دهند که همسرشان بدون ترس و اضطرابی نظر خود را بیان کند، هرچند آن نظر بر خلاف نظرشان باشد. گیدنز در این مورد، خانواده مطلوب را، خانواده‌ای معرفی می‌کند که از آن به‌عنوان خانواده دموکراتیک یاد می‌شود که شاخص‌های آن عبارتند از: «برابری، آزادی، استقلال، احترام

متقابل، تصمیم‌گیری از طریق برقراری ارتباط و آزادی از خشونت» (گیدنز^۱)، ترجمه صبوری کاشانی، ۱۳۹۵). همچنین، براد شاو معتقد است عواملی از جمله تفرد، مهر و محبت، فضای تهی از داوری، رابطه زناشویی براساس مساوات و برابری اساس موفقیت خانواده را تضمین می‌کند. از نظر او معیارهای مهم در یک زندگی عبارتند از: بهره‌مندبودن از آزادی، ابراز صمیمیت، مذاکره درباره تفاوت‌ها، ارتباط روشن و سازگار، اعتماد، تفرد، انعطاف‌پذیری، برآورده‌شدن نیازها، پاسخگویی، قوانین باز و انعطاف‌پذیر (براد شاو^۲)، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۸۶).

نتایج پژوهش نشان داد که زوجین رضایت‌مند با پیش‌آمدن مسئله‌ای در روابطشان آن را در منظومه همسری خود حل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند دیگران از آن مسئله باخبر شوند. زمانی که زوجین بتوانند مشکل پیش‌آمده را با یکدیگر حل کنند، بردن مسئله به بیرون از مرزهای خانواده رابطه را از حالت تعادل خارج خواهد کرد و آشفتگی را خواه‌ناخواه در رابطه به وجود خواهد آورد. مشورت‌گرفتن از دیگران زمانی می‌تواند مفید باشد که زوجین قادر به حل کردن مسئله پیش‌آمده نباشند و نیازمند کمک دیگران باشند. پژوهش‌های همسو تأییدکننده این مطلب هستند. در پژوهش‌های صورت گرفته توسط ویس^۳ (۲۰۱۴) و درایور و گاتمن^۴ (۲۰۱۴) نشان داده شد که زوجین رضایت‌مند با پیش‌آمدن تعارض در رابطه خود، روش حل تعارض مناسبی را ارائه می‌دهند و با تنیدگی‌های پیش‌آمده به صورت کارآمد کنار می‌آیند. به عبارتی، زوجین رضایت‌مند مسائل را به حال خود رها نمی‌کنند و از آنها برای تضعیف یکدیگر استفاده نمی‌کنند. آنها مسائل را مدیریت می‌کنند و اجازه نمی‌دهند مسائل باعث کشمکش میان آنها شود. سایر پژوهش‌ها با نتایج این پژوهش همسو بودند (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۴؛ رسولی و فلاح، ۱۳۹۲؛ کیخاونی و همکاران، ۱۳۹۵).

باتوجه به یافته‌های این پژوهش، حل زبانی مسئله در منظومه همسری به معنای مرزبندی در نظام خانواده است. مرزبندی در نظام خانواده از جمله عوامل پایداری و رضایت زناشویی است. اما از لحاظ ساختاری مرزبندی نامناسب بین زوجین و خانواده همسر، باعث عملکرد ناکارآمد خرده‌نظام‌ها، تبانی‌های مخرب، انعطاف‌ناپذیری نقش‌ها و جدایی نسل‌ها از هم می‌شود. مرزبندی

-
1. Giddens
 2. Bradshaw
 3. Weiss
 4. Driver & Gottman

نامشخص، دست دیگران را برای دخالت‌های افراطی باز می‌گذارد و مرزبندی خشک و انعطاف‌ناپذیر، باعث دوری زوجین از خانواده‌ها و قطع پیوندهای عاطفی می‌شود. ویتاکر^۱ معتقد است که افراد در خانواده سه نسلی، باید درعین احساس باهم‌بودن، احساس جدایی نیز داشته باشند و خود را مقید به پیروی سالم نیز بدانند (حسینی ۲۰۱۱؛ قاسمی، اعتمادی و احمدی، ۱۳۹۵).

نتایج پژوهش نشان داد که حل زبانی مسئله در کوتاه‌مدت باعث تداوم و حفظ رابطه زناشویی می‌شود. زمانی که زوجین درمورد مشکل یا مسئله‌ای با یکدیگر به‌صورت طولانی‌مدت صحبت نمی‌کنند، احساس انتقام و کینه در آنها شکل می‌گیرد. قهرهای طولانی باعث کدروت بین آنها و تیره‌شدن روابط می‌شود. در رابطه زوجین رضایت‌مند همانند زوج‌های متعارض بحث و مشکل به‌وجود می‌آید، اما زوجین رضایت‌مند اجازه نمی‌دهند این مشکلات و بحث‌ها رابطه آنها را درگیر سازد. آنها سعی می‌کنند که پس از بحث پیش‌آمده با یکدیگر بنشینند و صحبت کنند و از کش‌دارکردن موضوع بپرهیزند. پژوهش‌های همسو نشان داده‌اند که زوجین رضایت‌مند مشکلاتشان را با یکدیگر حل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند مشکلات پیش‌آمده رابطه آنها را خدشه‌دار سازد. در پژوهش‌های صورت گرفته توسط دونگ لی (۲۰۰۸) و راگوف^۲ (۲۰۱۳) نشان داده شد که زوجین رضایت‌مند رویکرد حل مسئله مناسب نسبت به مشکلات و مسئله‌های پیش‌آمده در رابطه زناشویی خود دارند و مسائل را در سریع‌ترین شکل ممکن حل خواهند کرد. مطالعه‌ای دیگر که توسط اولسون و اولسون^۳ (۲۰۰۱) روی زوج‌های خرسند و ناخرسند انجام شد، همسو با نتایج پژوهش بود. نتایج مطالعه آنها نشان داد که مهم‌ترین مؤلفه تمایزگذار بین زوجین خرسند (۷۸ درصد) و ناخرسند (۱۹ درصد) این است که همسرشان هنگام بروز مشکلات آنها را درک می‌کنند. همچنین، نتایج نشان داد که زوج‌های خرسند بیشتر از ۴ برابر نسبت به زوج‌های ناخرسند احساسات و عقایدشان را هنگام اختلاف نظرها بیان می‌کنند. زوجین خرسند ۷ برابر بیشتر از زوجین ناخرسند احساس می‌کنند، می‌توانند اختلافاتشان را حل کنند.

همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قطع مکالمه ناخوشایند می‌تواند یکی از راه‌های حل تعارض در منظومه همسری باشد. زوجین رضایت‌مند با تغییر دادن مسئله حین بحث از درگیری‌های

1. Whitaker
2. Rogoff
3. Olson & Olson

بیشتر جلوگیری می‌کنند. از هنرهای زن و مرد این است که بتوانند مسئله مورد بحث را از تب و تاب بیندازند و با تغییر دادن بحث از انرژی مسئله پیش آمده بکاهند. زمانی که بحثی میان زن و شوهر اتفاق می‌افتد، انرژی‌های منفی بیش از حد فضا را اشغال می‌کنند و فضا را برای درگیری بیشتر آماده می‌کنند. در این زمان اگر زوجین آگاه باشند، می‌توانند با وارد کردن شوخی و یا مسئله‌ای که نامرتب با بحث است، انرژی مثبتی را وارد فضا کنند. اینگونه می‌توانند مسئله را هدایت و حل و فصل نمایند. اکثر بحث‌های شدید در رابطه زناشویی در این فضاهای منفی و بسته اتفاق می‌افتد و زوجین به خاطر ناآگاهی از این انرژی‌های منفی، ناگزیر با یکدیگر درگیر می‌شوند. یافته‌های پژوهش همسو نشان داده‌اند که اصلاح الگوی مکالمه زوجین، سطح رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. در پژوهش صورت گرفته توسط پورشهریار (۱۳۹۳) نشان داده شد که اصلاح الگوی مکالمه زوجین از طریق اصلاح تحریف‌های شناختی و نیز کنترل و تنظیم هیجانی می‌تواند سطح رضایت زناشویی را تا حد قابل توجهی افزایش دهد.

نتایج پژوهش نشان داد که زوجین از طریق مقایسه نکردن یکدیگر و خانواده‌ها می‌توانند در رابطه خود رضایت‌مندی بیشتری را تجربه کنند. مقایسه کردن یکدیگر نشان‌دهنده آن است که زوجین از یکدیگر راضی نیستند و فرد ایدئال خود را میان دیگران جستجو می‌کنند. زوجینی که از شرایط موجود خود رضایت ندارند با مقایسه کردن همسر خود، نارضایتی خود را فریاد می‌زنند و درصد آن هستند که به هر طریقی نشان دهند که همسر ایدئالی ندارند. مقایسه کردن بدین معناست که زوجین، شخصیت منحصر به فرد یکدیگر را تخریب کنند و صفات، منش، شخصیت و خلق و خوی یکدیگر را نادیده بگیرند. مقایسه کردن وضعیتی برای زوجین به وجود می‌آورد که از آن به عنوان «من چند گانه^۱» می‌شود نام برد. من چند گانه به این معناست که شخص نمی‌داند باید دقیقاً شبیه چه کسی باشد تا مورد قبول همسرش واقع شود. شاید زوجین متعارض در این مواقع خود را شبیه دیگران کنند تا مورد تأیید همسرشان واقع شوند، اما این وضعیت نمی‌تواند دوام بیاورد؛ چراکه من‌های زیادی در رابطه زوجین وارد شده‌اند و زوجین دائماً یکدیگر را با این «من‌ها» مقایسه می‌کنند. این گونه می‌شود که زوجین به جای آنکه خودشان باشند، دائماً نقش‌های دیگران را بازی می‌کنند و از خود واقعی‌شان فاصله می‌گیرند. پژوهش‌ها همسو با نتایج پژوهش

بود. حاتمی‌ورزنه و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایت‌مند: یک پژوهش گراندد تئوری به این نتیجه دست پیدا کردند که مقایسه نکردن از جمله عوامل میان‌فردی رابطه زوجین است که باعث کارکرد خوب منظومه زوجی و رضایت از رابطه می‌شود. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که یکی از عوامل زبانی که باعث تحکیم و استواری رابطه زناشویی می‌شود و رضایت زناشویی را حفظ و افزایش می‌دهد، شوخ‌طبعی است. احساس شوخ‌طبعی رگه شخصیتی پایدار و متغیر مهم تفاوت‌های فردی است که در انواع رفتارها، تجربه‌ها، عاطفه‌ها، بازخوردها و توانایی‌های مرتبط با سرگرمی، خندیدن، خندانیدن و مانند آن تجلی می‌یابد. احساس شوخ‌طبعی، تک‌بعدی نیست، بلکه سازه‌ای است ترکیبی که ممکن است به شکل‌های متفاوت مفهوم‌سازی شود: توانایی شناختی، توانایی خلق، فهم، بازسازی و به‌خاطر آوردن لطیفه‌ها (فینگلد و مازلا، ۱۹۹۳؛ به‌نقل از بخشی‌پور، ۱۳۹۴). زوجین رضایت‌مند از میزان شادکامی بیشتری نسبت به زوجین غیر رضایت‌مند برخوردار هستند و این به شوخ‌طبعی آنها مربوط است. پژوهش‌ها همسو با نتایج این پژوهش است. در یکی از این پژوهش‌ها فرجی و کرایبی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان رابطه بین شوخ‌طبعی و دشواری در تنظیم هیجان با کیفیت رابطه زناشویی در پرستاران زن بیمارستان‌های شهر اهواز نشان دادند که بین شوخ‌طبعی با کیفیت رابطه زناشویی همبستگی مثبت معنی‌داری وجود دارد. یافته‌ها نشان داد که برای کیفیت رابطه، عامل شوخ‌طبعی نیاز است یکی دیگر از عواملی که در رضایت زناشویی نقش مهمی را ایفا می‌کند، تقدیر کردن از یکدیگر است. تقدیر کردن همان‌گونه که از معنای ظاهری آن مشخص است به معنای قدر و اندازه یکدیگر را دانستن و آن را بیان کردن است. زوجین رضایت‌مند ویژگی‌های یکدیگر را می‌شناسند و ویژگی‌های مثبت همسر خود را تحسین می‌کنند. تقدیر کردن از یکدیگر در حضور دیگران و به‌ویژه خانواده‌ها احساس رضایت را در زوجین افزایش می‌دهد. زن و شوهری که به‌راحتی از کنار کارهای مثبت و شایسته یکدیگر عبور می‌کنند، شرایط دلسردی و ناامیدکننده‌ای را برای رابطه خود به‌وجود می‌آورند. هر چند زوجین بدون تقدیر کردن از یکدیگر هم می‌توانند به رابطه خود ادامه دهند حتی تا پایان عمر با یکدیگر زندگی کنند، اما آن چیزی که از آن بی‌بهره می‌مانند، همان احساس عمیق و لذت‌بخش لحظه‌ای است که زوجین رضایت‌مند آن را تجربه می‌کنند و

آن، «یکدیگر را ستودن و قدر و منزلت یکدیگر را بیان کردن است». پژوهش‌ها با نتایج این پژوهش همسو بودند. دی فرین و آسای^۱ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای درباره مؤلفه‌های تعاملات سازنده دریافتند که گذران اوقات مفرح با یکدیگر، قدردانی و ستایش از همسر از مشخصه‌های پیش‌بینی‌کننده در تعاملات سازنده زوجین است. همچنین مطالعات شام وی^۲ (۱۹۹۸) و کاسلو و هرشمیت^۳ (۱۹۹۲) نشان دادند که قدردانی و ستایش از همسر تحت عنوان بازشناسی سودمند عوامل اساسی در ازدواج‌های طولانی مدت محسوب می‌شود.

نتایج پژوهش نشان داد که گفتگو کردن زوجین با یکدیگر از ویژگی‌های تثبیت‌کننده رضایت زناشویی است. زوجینی که به گفتگو می‌نشینند و دغدغه‌ها و مسئله‌های یکدیگر را مطرح می‌کنند و در پی حل و فصل آنها بر می‌آیند، می‌توانند رضایت زناشویی طولانی مدت را برای رابطه خود تضمین نمایند. یافته‌های پژوهش همسو نشان داده‌اند که گفتگوی مؤثر زوجین باعث کاهش تعارض زناشویی و افزایش رضایت زناشویی در آنها می‌شود. پژوهش‌های صورت گرفته توسط آرمان و همکاران (۱۳۸۷) و حیدری و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده‌اند که آموزش روش گفتگوی مؤثر می‌تواند تعارض زناشویی را به طور معناداری در زوجین کاهش دهد و بر متغیرهای مؤثر در رضایت زناشویی همانند: همکاری، رابطه جنسی، واکنش‌های هیجانی نسبت به یکدیگر و جلب حمایت فرزند یا فرزندان، تأثیر بگذارد. در مطالعه‌ای دیگر که توسط اولسون و اولسون (۲۰۰۱) روی زوج‌های خرسند و ناخرسند انجام گرفت، نشان داده شد که زوج‌های خرسند نسبت به زوج‌های ناخرسند شنوندگان خوبی برای همسران خود هستند. اکثر زوج‌های خرسند، عبارتی که باعث تحقیر همسرشان شود، بیان نمی‌کردند. زوج‌های خرسند به راحتی احساساتشان را با همسرشان بیان می‌کنند و از سانسور کردن خود پرهیز می‌کنند.

یکی دیگر از مفاهیمی که در رابطه زوجین رضایت‌مند بسیار مورد تأکید قرار می‌گرفت، مشورت کردن بود. مشورت کردن در رابطه زناشویی به معنای این است که زن و شوهر می‌توانند در عقل‌های یکدیگر شریک شوند و یکدیگر را در زمینه‌های مختلف کمک نمایند. در واقع، مشورت کردن، از خود بیرون آمدن و خود را عقل کل نخواندن است. زوجینی که با یکدیگر

1. DeFrain & Asay
2. Shumway
3. Kaslow & Hammerschmidt

مشورت نمی‌کنند و حتی مشورت کردن را غیر ضروری و مسخره می‌دانند، ضریب خطای بیشتری را در کارهای خود تجربه می‌کنند. در این مورد یونگ و لانگ^۱ (۱۹۹۸) معتقدند زوجینی که میزان سازگاری بالایی دارند، دارای انعطاف‌پذیری بالا، شفافیت بیشتر و ابهام کم در رابطه هستند. زوجین سازگار، از یکدیگر کمک می‌گیرند، در رهبری و مدیریت خانواده مشارکت می‌کنند، هنگام تصمیم‌گیری با یکدیگر مشورت می‌کنند، در مواجهه با مشکلات بیشتر به سوی سازش و کاهش تفاوت‌ها حرکت می‌کنند، تمامی اینها ناشی از وجود شفافیت در رابطه است. فزلسفلو و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه خود نشان دادند که هماهنگی و مشورت در حفظ و پایداری رابطه زناشویی مؤثرند.

از جمله زیرمؤلفه‌های مشورت کردن که همسو با نتایج است، عبارتند از: مشورت کردن، راهنمایی در امور، هدایت و جهت‌دهی در مسیر پیشرفت شخصی، نظرخواهی و هماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که مکالمه‌های جنسی از مهم‌ترین عوامل زبانی تثبیت‌کننده رضایت زناشویی است. مکالمه‌های جنسی در رابطه زناشویی بدین معناست که زوجین نسبت به رابطه جنسی خود بی تفاوت نیستند و در مورد آن با یکدیگر صحبت می‌کنند. بدین ترتیب، گزینه جنسی از نیازهای ذاتی انسان است، به طوری که مازلو^۲ (۱۹۷۶)؛ به نقل از واندرماسن^۳، (۲۰۰۴) در رده نیازهای جسمانی یا نیازهای حیاتی اولیه قرار داده است. در زمینه رابطه جنسی می‌توان گفت که اگرچه زندگی زناشویی سعادتمندانه فقط تا اندازه‌ای مربوط به رابطه جنسی است، ولی این رابطه ممکن است از مهم‌ترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی در زندگی زناشویی باشد. زیرا اگر این رابطه قانع‌کننده نباشد، به احساس محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی (به‌خطر افتادن سلامت روان) و در نتیجه از هم‌پاشیدگی خانواده منجر می‌شود (شاملو، ۱۳۸۰؛ به نقل از بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸). پژوهش‌ها با نتایج پژوهش همسو است. نتایج اشدون^۴ و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد بین درگیر شدن در رفتارهای عاطفی چون بوسیدن، درآغوش گرفتن و مکالمات جنسی با

1. Young & long
2. Maslow
3. Vandermassen
4. Ashdown

رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش بانمن و گل^۱ (۱۹۸۵) نشان دادند که زوج‌ها با گفتگوی جنسی بیشتر می‌توانند با یکدیگر رابطه داشته باشند و مشکلاتشان را حل کنند که این با رضایت زناشویی مرتبط است (قیصری و کریمیان، ۱۳۹۲).

در نهایت می‌توان گفت، که زبان در روابط زوجین رضایت‌مند نقش محوری را ایفا می‌کند؛ به طوری که آنها از طریق زبان، رابطه خود را تنظیم می‌کنند و راه را برای یک رابطه متعالی و آرام‌بخش هموار می‌سازند. زوجین رضایت‌مند از طریق به کارگیری نحوه صحیح زبان در رابطه خود، شرایط زندگی طولانی‌مدت را برای خود مهیا می‌کنند. به عبارت دیگر، رضایت زناشویی زوجین یک تمرین است؛ تمرینی که در آن زوجین باید نحوه گفتگوی مسالمت‌آمیز و نحوه حل و فصل مسئله‌ها و مشکلات را یاد بگیرند و به کار ببرند. زوجینی که دنبال زندگی بهتر و رضایت‌مندتر هستند، از تمام موقعیت‌ها برای ارتقای رابطه خود بهره می‌گیرند. کنترل کردن زبان و نحوه به کارگیری کلمات در رابطه زناشویی، نوعی تمرین برای زندگی متعالی و آرام است. زمانی که زوجین به جای داد و فریادهای آزاردهنده به گفتگوی رودررو و دوجانبه روی بیاورند، شرایطی را در زندگی زناشویی خود به وجود می‌آورند که همان عشق متقابل، تعلق خاطر و در نهایت زندگی طولانی‌مدت بانشاط است.

سیاس و قدردانی

در پایان، نویسندگان این تحقیق بر خود لازم می‌دانند که از همه شرکت‌کنندگان در این تحقیق که وقت خود را برای مصاحبه در اختیار پژوهشگر قرار دادند، تشکر و قدردانی کنند.

منابع

- آرمان، سرور؛ زاهد، غزال؛ شکیبایی، فرشته؛ بینا، مهدی؛ باقریان، رضا و روح‌افزا، حمید (۱۳۸۷)، تأثیر روش گفتگوی زوجین بر ارتباط آنها و تأثیر آن بر رفتار فرزندان، *مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک*، سال ۱۱، شماره ۳: ۹-۱۹.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۲)، نگاهی به تفکر و زبان، *فصلنامه تازه‌های روان‌شناختی*، س ۵، ش ۱: ۵۷-۸۵.
- ابراهیمی‌دینانی، غلامحسین (۱۳۹۰)، *فلسفه و ساحت سخن*، تهران: نشر هرمس.
- استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۹۹۸)، *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی - رویه‌ها و شیوه‌ها*، چاپ سوم ترجمه بیوک، محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰.

- استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۹۹۰). **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اسکندری، حسین و اعلمی‌نیا، منصوره (۱۳۹۵). انسان به‌منزله مسئله‌ای زبانی (دیدگاه روانی مولانا درباره نقش زبان در تعیین وضعیت روانی و رفتار انسان)، **فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی**، سال ششم، شماره بیست‌وچهارم: ۶۳-۹۷.
- اسمعیلی، معصومه؛ فتحی، الهام؛ فرح‌بخش، کیومرث و دانش‌پور، منیژه (۱۳۹۴). **حیطه‌های تعارض و استراتژی‌های حل آن در زوجین رضایت‌مند، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی**، سال ششم، شماره ۲۴: ۲۹-۵۴.
- ایمان، محمدتقی و محمدیان منیژه (۱۳۸۷). **روش‌شناسی نظریه بنیادی، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی**، سال ۱۴، ش ۵۶: ۳۱-۵۴.
- ایمانی، مهدی؛ کاظمی رضایی، سیدعلی؛ پیرزاده، حجت‌الله، ولیخانی، احمد و کاظمی رضایی، سیدولی (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و خوش‌بینی در رابطه میان رضایت زناشویی و رضایت از زندگی زنان آموزگار شهر نهاوند، **فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی**، سال پنجم، شماره ۳: ۵۰-۷۹.
- بخشایش، علیرضا و مرتضوی، مهناز (۱۳۸۸). **رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی**، سال ۳، شماره ۴: ۷۳-۷۵.
- بخشی‌پور، باب‌الله (۱۳۹۴). **سبک‌های شوخ‌طبعی و تعارض زناشویی در دانشجویان متأهل، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره**، جلد ۱۴، شماره ۲۳: ۵۵-۳۹.
- برادشاو، جان (۱۳۸۶). **خانواده، تحلیل سیستمی خانواده**، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: لیوسا.
- بصری محمدصادق و حسینی بی‌بی‌حیاتی، سمیه (۱۳۹۵). آفات زبان از نظر لفظ و معنا در مثنوی مولوی و احیای علوم الدین غزالی، **نشریه ادبیات تطبیقی**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان، سال ۸، شماره ۱۴: ۷۱-۹۱.
- بهراری، زهرا (۱۳۹۴). **نقش سبک زندگی در رضایت زناشویی زوجین، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی**، سال ششم، شماره بیستم: ۱۲۵-۱۴۵.
- پورمقدس، علی (۱۳۸۴). **روان‌شناسی سازگاری**، تهران: انتشارات مشعل.
- پورشهریار، حسین (۱۳۹۳). **اثربخشی آموزش مکالمه زوجین با موقعیت فرد سوم در کاهش نارضایتی زناشویی، فصلنامه خانواده‌پژوهی**، سال دهم، شماره ۳۹: ۳۵۷-۳۷۳.
- حاتمی‌ورزنه، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرح‌بخش، کیموث و برجعلی، احمد (۱۳۹۵). **ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایت‌مند: یک پژوهش گراند تئوری، مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده**، سال ۶، شماره ۱: ۱۲۰-۱۴۹.

- حیدری، حسن؛ ثنایی ذاکر، باقر؛ نوابی نژاد، شکوه و دلاور، علی (۱۳۸۸)، اثربخشی گفتگوی مؤثر (برنامه ارتباط زوج‌ها CCP) بر کاهش تعارضات زناشویی، **فصلنامه اندیشه و رفتار**، دوره چهارم، شماره ۱۴: ۱۵-۲۴.
- رسولی، یوسف و فلاحت، عنایت‌الله (۱۳۹۲)، تأثیر روش فعال حل مسئله بر تعارضات زناشویی در شهر یاسوج، **ارمغان دانش**، ۱۸(۱۰): ۸۵۹-۸۶۸.
- رهنما، اکبر؛ میرزامحمدی، محمدحسن و بیجنوند، فرامرز (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین تفکر انتقادی با تولید علم میان اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد، **دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد**، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۳: ۲۵۷-۲۸۸.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۳)، طبقه‌بندی آسیب‌های روابط همسران در متون اسلامی، **مجله مطالعات اسلامی زنان و خانواده**، شماره ۱: ۶۱-۷۸.
- شهابی زاده، فاطمه؛ رخشانی، پلین و علیزاده، حمید (۱۳۹۴)، مدل دلزدگی زناشویی در ارتباط با الگوی ابعادی ارتباط با خدا، کنترل فکر و زبان، **دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی**، س ۱۰، ش ۱۹: ۷-۳۰.
- صاحب‌جمعی، حمید (۱۳۸۹)، **خانه هستی، زبان، اندیشه و خرد**، تهران: نشر ثالث.
- صلصالی، مهوش؛ فخر موحدی، علی و چراغی، محمدعلی (۱۳۸۶)، **تحقیق گرانددتئوری در علوم پزشکی (فلسفه و علوم کاربردی)**، تهران: انتشارات بشری.
- غلامعلی، بهزاد؛ جمورپور، سمیه؛ سوری، اصغر؛ سهیلی زاد، مختار؛ خزایی، سلمان؛ نوریان، فاطمه و باقر، محمد (۱۳۹۵)، معیارهای ازدواج در زوجین شرف ازدواج مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره ازدواج شهرستان تویسرکان در سال ۱۳۹۴، **مجله علمی پژوهان**، دوره ۱۴، شماره ۱۴: ۳۸ تا ۴۷.
- فرجی، فیروزه و کرایبی، امین (۱۳۹۷)، رابطه بین شوخ‌طبعی و دشواری در تنظیم هیجان با کیفیت رابطه زناشویی در پرستاران زن بیمارستان‌های اهواز، **فصلنامه علمی - پژوهشی زن و فرهنگ**، سال نهم، شماره ۳۵: ۹۱-۱۰۴.
- قاسمی، سیمین؛ اعتمادی، عذرا و احمدی، سیداحمد (۱۳۹۵)، شناسایی آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن: پژوهش کیفی، **مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت**، سال ۵، شماره ۳: ۲۵۰-۲۶۲.
- قرلسفلو، مهدی؛ جزایری، رضوان السادات؛ بهرامی، فاطمه و محمدی، رحمت‌الله (۱۳۹۵)، شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی از نظر زوج‌های ایرانی (یک مطالعه کیفی)، **فصلنامه پژوهش‌های مشاوره**، جلد شانزدهم، شماره ۶۳: ۲۸-۴.
- قیصری، سهیلا و کریمیان، نادر (۱۳۹۲)، بررسی مدل علی رضایت جنسی براساس متغیرهای کیفیت زناشویی، رضایت از رابطه، اضطراب ارتباط جنسی، احقاق جنسی و دفعات آموزش در دانشجویان زن متأهل بندرعباس، **فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی**، سال چهارم، شماره ۱۶: ۸۵-۱۰۶.

کمالی، ایوب؛ دهقانی فیروزآبادی، سمیره و قاسمی، حامد (۱۳۹۳)، فراتحلیل اثربخشی مداخلات روان‌شناسی - مشاوره‌ای بر رضایت زناشویی زوجین (۱۳۸۱-۱۳۹۱)، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال پنجم، شماره ۱۹: ۷۰-۸۶.

کیخاوی، ستار؛ قربانی، مصطفی؛ منصوریان، مرتضی؛ سفری، عبدالمحمد و مامی، شهرام (۱۳۹۵)، کاهش تعارضات زناشویی با آموزش مهارت حل مسئله در مراجعین به مرکز مشاوره کمیته امداد امام (ره) شهر ایلام، مجله ره‌آورد سلامت، دوره ۲، شماره ۱: ۲۹-۳۸.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۵)، راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: شیرازه. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفا.

نادری، لیلا؛ مولوی، حسین و نوری، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، پیش‌بین رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان براساس همدلی و بخشودن، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال شانزدهم، شماره ۴: ۶۹-۷۵.

Atkinson, P., A. Coffey, S. Delamont, J. Lofland, and L. Lofland (eds.) (2007). Handbook of the bedroom: sexual satisfaction in the marital relationship. Journal of integrated social sciences. 2(1): 40-57.

ashdown, b.k.; hackathorn, j.; & clark, e. m. (2011). in and out of the bedroom: sexual satisfaction in the marital relationship. journal of integrated social sciences. 2(1): 40-57.

defrain, j., & asay, s. m. (2007). strong families around the world: an introduction to the family strengths perspective. marriage & family review, 41(1-2), 1-10.

Driver, J. L. & Gottman, J. M. (2005). Dysfunctional marital conflict and everyday marital interaction. Journal of Divorce and Remarriage, 43(3/4): 65-77.

Dung Le, T. M. (2008). Vietnamese Couples' Perceptions of the Factors that Contribute to Satisfaction in Long-Term Marriages. A Master Dissertation in social work. University of Manitoba.

Fisold, ralph (1990) the sociolinguistics of language. Oxford: basil blackwell.

Goulding, C. (2002). Grounded Theory: A Practical Guide for Management, Business & Market Researchers, London: Sage Publications.

Hatch Laurie R, Bulcroft K. Does Long-Term Marriage Bring Less Frequent Disagreements? Five Explanatory Frameworks. J Fam Issues. 2004; 25(4):465-95.

Hopkins-Williams. K. (2007). Yes, they re out there: A qualitative study on strong African.

kaslow, f., & hammerschmidt, h. (1992). long-term "good" marriages: the seemingly essential ingredients. journal of couples therapy, 3, 15-38.

Lehmann. P; Simmons. C. A; Pillai. V. K. (2012). The Validation of the checklist of controlling Behaviors (CCB): Assessing coercive control in Abusive Relationship violence Against Woman, 18(8): 913-933.

Martigani, C. G. (2011). Abjective & perceived spiritual & religious compatibility as predictor of marital functioning. Ph. D dissertation, loyaha university Maryland. (2011). 1-131.

- Marston, P. J., Hecht, M. L., Manke, M. L., McDaniel, S., & Reeder, H. (1998). The subjective experience of intimacy, passion, and commitment in heterosexual loving relationships. *Personal Relationships*, 5(1), 15-30.
- Olson, H., Olson, A (2001). *Marriages and Families (Intimacy, Diversity and Strengths)*, (4 th ed). Kenethking, New York.Orathinka , Joee, Vansteenwegen, Alfons (2007). Do demographic affect marital satisfaction? *Journal of sex and marital therapy*, Volume 33, No 1, pp : 73-85.
- olson, d. l. (2000). circumplex model of marital & family systems. *journal of family therapy*, 22(2): 144-167. doi: 10.1111/1467-6427.00144.
- Punch, K. (2005). *Introduction to social Research: Quantitative and Qualitative Approaches*, London: Stage Publications Ltd.
- Rogoff, L. (2013). *The Influence of Family Communication Patterns, Marital Typology, and Level of Intimacy on Marital Satisfaction for Couples Living in the United States*. Doctoral dissertation in clinical psychology. Walden University.
- Schilling ea, baucom dh, burent ck et al altering the course of marriage: the efecte of prep communication skills acquisition on couples risk of becoming martially distressed *journal of family psychology* 2003; 17:41-53.
- Sibley, D. S. (2010). *An exploration of the construction of commitment leading to marriage* (Doctoral dissertation, Southern Utah University.)
- Silverman, D. (2005). *Doing Qualitative Research* London: Sage Publications.Slosarz. W. J. (2000). Relationship between lifestyle and factors affecting sexual life. *Journal of Sexual and Relationship Therapy*, 15(2): 367-380.
- Strauss, A., & Corbin, J. Grounded theory methodology: an overview. In N. Denzinin, & Y. Lincoln (eds), *Handbook of Qualitative Research*. Thousand oaks, CA: Sage, 1994.
- shumway, s. t. (1998). *the texas tech relationship interaction scale (ttris): development of a relationship interaction measure for couples* (doctoral dissertation, texas tech university.)
- Taniguchi, S. T., Freeman, P. A., Taylor, S., & Malcarne, B. (2006). A study of married couples'perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation, *Journal of Experiential Education*, 28(3): 253-256.
- Tavajol, Z, Nikbakht, A, Beboodi Moghadam, Z, Salehiniya, H, Rezaei, Elham. (2017). (A Review of the Factors Associated with Marital Satisfaction. *Galen Medical Journal, GMJ*. 2017, 6 (3): 197-207.
- Vives-cases, C., Gil-Gonzales, D., Alvarez-Darted, C., Carresco-Portino, M. (2007).Systematic review of studies aboute socioeconomic status of men who better their intimate partners.*Gacata Sanitaria*, 21: 425-430.
- Weiss, J. M. (2014)*Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages*. Master Dissertation In Family, Consumer, and Human Development. Utah State University.
- Young, e. M., & long, l. (1998). *Counseling and therapy for couples*.new york: intonation thomason publishing company .
- Zare, Z, Golmakani, N, Shareh, H, taghi Shakeri, M, Khadem, N. Factors Related to Marital Satisfaction in Primiparous Women during Postpartum Period. Article 4, Volume 2, Issue 2, April 2014, Page 120-127.